



روزه، آموزش صبر و مجاهدت با نفس است/ رمضان؛ ماه ورود به ساحت کریم

حجت الاسلام اخوان، مدرس حوزه با بیان اینکه روزه نوعی صبر کردن است تا انسان مجاهدت با نفس را بیاموزد گفت: اگر ما لثامتی داریم، باید آن را بیرون ماه رمضان بگذاریم و اینگونه به ساحت کریم برویم.

حجت الاسلام اخوان، مدرس حوزه با بیان اینکه روزه نوعی صبر کردن است تا انسان مجاهدت با نفس را بیاموزد گفت: اگر ما لثامتی داریم، باید آن را بیرون ماه رمضان بگذاریم و اینگونه به ساحت کریم برویم.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه — عباس بنشاسته: به مناسبت آغاز ماه مبارک رمضان گفتگویی با مدرس حوزه علمیه، حجت الاسلام عباس اخوان انجام دادیم. متن زیر مشروح گفتگوی مهر با این کارشناس دینی است؛

***ما بحث هایی در باب حکمت عبادات داریم. آیا توجه به حکمت عبادات با عبودیت ما منافات ندارد از این جهت که عبد در برابر معبود چون و چرایی ندارد؟ ذیل پاسخ به این سوال بفرمایید حکمت عبادتی مثل روزه چیست؟**

در روایات این حکمت ها را به علل الشرایع تعبیر می کنند و از دیرباز بین علمای شیعه مطرح بوده است. مرحوم صدوق و کسان دیگر در این زمینه کتاب مستقل دارند. علل الشرایع یعنی جهت تشریع احکام. این بابی بوده که در دوره خود ائمه هم وجود داشته است.

مسئله ای که شما مطرح کردید منافات ندارد با اینکه انسان بداند حکمت عملش چیست. کما اینکه در باب جناب ابراهیم در قرآن آمده است «رَبِّ اَرْنِي كَيْفَ تَحْيِ الْمَوْتَى» خدا به من بنمایان که مردگان را چگونه زنده می کنی؟ «قَالَ اَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟!» عرض کرد: «آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.» یعنی منعی ندارد که انسان در یک زمینه ای سوال برای چه؟ یا چگونه؟ داشته باشد.

در آیه دیگری در مورد عزیز و عزیز آمده است که «اَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ اَتَىٰ يَحْيٰى هٰذِهِ الْاَلَةُ بَعْدَ مَوْتِهَا» سوال آتی است یعنی کجا خدا زنده می کند؟

تعبد الزاما به این معنا نیست که پی به حکمت فعل نبریم. کما اینکه از معصومین هم سوال می شد که خداوند متعال چرا روزه را تشریع کرده است؟ و حضرات جواب داده اند. اگر با تعبد منافات داشت سوال کننده را از این سوال منع می کردند.

ضرورت پرداختن به حکمت عبادات برای ترقی و تعالی عقلی انسان است. اینکه خداوند انسان را به یک امری واداشته و انسان می داند که لامحاله این دستور صادر از جناب حکیم است و او هیچ کاری را بدون حکمت انجام نمی دهد. بنا بر آن حکمتی که خدا در وجود فرد قرار داده، فرد می تواند تا آن اندازه که برایش میسر است، پی به حکمت فعل خداوند متعال ببرد. این امر در مقام تعقل با تلقی انسان به نوعی هم خوانی دارد. کما اینکه اگر وقتی خدا جناب آدم را مسجود ملائکه کرد اگر آن موقع جناب آدم سوال می کرد که به چه جهت من مسجود ملک شدم؟ و اگر آن زمان که خدا به او فرمود که از شیطان تبعیت نکن باز سوال می کرد که ای خدا چرا نباید از شیطان تبعیت بکنم، یا زمانی که گفته شد «فلا یخرجنکما من الجنة فتشقی» شما را از بهشت خارج می کند، سوال می کرد خدایا اگر من از بهشت خارج شوم چه می شود؟ شاید دیگر کار او به مقام ترک اولی نمی انجامید.

اینکه بعضی می گویند لازمه کمال جناب آدم این بوده که معصیت کند، حرف غلطی است. لازمه کمال این بود که سوالاتی که مطرح شد را می پرسید.

لذا حکمت عبادات در روایات آمده است و مرحوم صدوق آن ها را ذکر کرده است. علمای سلف کتاب در باب حکمت عبادات خیلی نوشته اند اما یکی از آنها به ما رسیده است. امام معصوم در مقام جواب این سوال چند مطلب را می فرماید. یکی اینکه خداوند متعال آن سختی و وضعی که به مستمندان در شدت گرسنگی عارض می شود به بقیه بچشاند. در بعضی از روایات که آنها ناظر به شئون دیگری است می فرماید محتضر وقتی در حالت مرگ قرار می گیرد به او حالت عطش غلبه می کند. آن کسی که راه مبارزه با عطش را آموخته باشد در آن حال خود را گرفتار شیطان نمی کند و می تواند آن عطش احتضار را تحمل کند.

خود امیرالمومنین(ع) در وصیتنامه ای که به جناب محمدبن حنفیه دارند که «عَوِّذْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرُ» ای فرزندم، نفس خود را وادار به صبر ورزیدن کن. روزه خود نوعی صبر کردن است که انسان مجاهدت با نفس را بیاموزد.

***در دعای افتتاح که در شب های ماه رمضان وارد شده است. من باب تبرک یک فراز از این دعا را ذکر می کنیم. فرازی وجود دارد که می فرماید «وارحم عبدک الجاهل» با توجه به اینکه امام معصوم مظهر کامل علم خداوند است این بیان چگونه قابل توجیه است؟**

ظهور علم خداوند متعال در ظرف مقدس اهل بیت عصمت و طهارت است. تعین صفات خداوند متعال در این ذوات مقدس است. عین علم خداوند متعال که به ظهور رسیده در این ذوات مقدسه متجلی شده است. اما این به این معنا نیست که این ذوات مقدسه ذاتا چنین شانی را دارند. در قرآن آمده است «و کذلک اوحینا الیک روحا من امرنا» یعنی این چنین است ما به تو فرستادیم روحی از امر خودمان را. «ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان» تو نمی دانی کتاب و ایمان چیست. «و لکن جعلناه نورا». یک طرف کلام ناظر به ذاتیات است و یک طرف ناظر به فعل است. وقتی بنده به خود باشد یعنی هیچ شانی از شئون

ایهائی به او واقع نشده باشد و فقط تصور وجود او برود، از خودش هیچ ندارد. من ز خود هست و بودی ندارم/ من که از خود نمودی ندارم. این را خواجه عبدالله انصاری می گوید که الهی چون در تو نگرم از جمله تاجدارنم و چون بر خود نگرم در زمره خاکسارنم. آنجا که توجه به ذاتیات خود می کند از خود هیچ ندارد.

برخی هم بر این باور هستند که این عبارات از این جهت است که معصوم دارند به بقیه تعلیم می دهد.

تعبیر مختلفی در باب ماه رمضان آمده است مثلا از پیامبر سوال شد چرا این ماه را رمضان نام گذاشتند و حضرت فرمود به این دلیل که گناهان را می سوزاند. چه توصیفات در روایات در مورد ماه رمضان شده است؟

مقدم بر روایات، آیات قرآن است که بعد از ذکر وجوب روزه بیان حکمت می کند. مثلا در سوره بقره می فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» بیان حکمت می کند که «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» پس اینکه در روایت آمده است که گناه را می سوزاند، چون تقوا جنبه سلب لغزش و معصیت است. تقوا از کلمه وقایه گرفته شده که به معنی خویشتن داری است. چون انسان در مقام نفسانیت به سمت بیهوده روی گرایش پیدا می کند پس این تقوا سوزاندن آن جنبه است و آن را سلب می کند.

اینکه گناه را می سوزاند در واقع این است که خواهرش های نفسانی را می سوزاند، این لازمه تقوی است.

در آیات بعدی اشاره شده «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» یعنی اگر این ظرف برای نزول قرآن موضوعیت نداشت، خدای متعال این را به عنوان امتیاز ماه رمضان ذکر نمی کرد. این آیه شریفه به این امر اشاره دارد که در ماه رمضان قرآن دفعتاً فرود می آید. لذا این آیه سه شان را بیان می کند که هدایت مردم، بینات هدایت و فرقان است. این سه شان در جایی که «و من يتق الله يجعل له فرقانا» و یا «و من يتق الله يجعل له مخرجا» وارد شده، در آنجا می فرماید «لعلكم تتقون»، یعنی اگر بنا شد ماه رمضان ماه «لعلكم تتقون» باشد پس «يجعل له فرقانا» و «يجعل له مخرجا» خواهد بود؛ آیات در این زمینه صراحت دارد. لذا این ماه ماهی است که اگر انسان به مقتضی ماه رمضان عمل کند، خداوند برای او فرقان و مخرجا قرار می دهد.

البته باید گفت ما یک شبه نمی توانیم به کمالات برسیم و اینها مقدمه می خواهد. ما باید عمری بدویم تا یک ماه رمضان به ما جلوه ای کند. یک عمر باید به در خدا گدایی کنیم تا یک ماه رمضان به ما جلوه ای کند. باید گفت ماه رجب که ماه امیرالمومنین است و ماه شعبان ماه پیامبر اکرم است و ماه رمضان به دنبال هم هستند. ما باید از راه ائمه اهل بیت وارد شویم و آنها ما را به ارشاداتی که در آن شان نبوت است هدایت می کنند. آنگاه از آن طریق بتوانیم به فیوضات ماه رمضان برسیم.

بدانیم که به غیر از ذوات معصومین دست ما به هیچ جا بند نیست. بزرگان ما به غیر از امید به توسلات به ذوات معصومین به هیچ چیزی اتکال نداشتند. مرحوم آیت الله سید احمد آقا خوانساری می فرمود غیر از توسل به سید الشهداء(ع) به هیچ چیزی امید ندارم. سر سفره افطار از سیدالشهدا یاد کنیم.

فی الجمله باید گفت تا بر سر نفس نکوبیم به جایی نمی رسیم. نفس هرس می خواهد. به قول علامه طباطبائی به شادی و آسایش و خواب و خور/ ندارند کاری دل افکارها/ بجز اشک چشم و بجز داغ دل/ نباشد به دست گرفتارها/ کشیدند در کوی دیوانگان/ میان دل و کام دیوارها.

نفس به سمت خوردن و آشامیدن می کشاند. در جریان سپاه طالوت خدا می فرماید «ان الله مبتليکم بنهر» یعنی خداوند شما را به نهر آب امتحان می کند. این نهر آبی است که همه ما در ماه رمضان با آن امتحان می شویم. ماه رمضان به ما می آموزد که اگر بخواهی نفس را نگه داری می توانی.

آیت الله شاه آبادی در ذیل آیه مبارکه «انه کان ظلوما جهولا» می فرمود تا سلطان نفس اماره را از تخت سلطنتش پایین نکشی به کمالی نمی رسی. امام هم این را دارند که عارفان رخ تو جمله ظلوم اند و جهول/ این ظلومی و جهولی ز جهان ما را بس. ماه رمضان این ظلومی را به ما می آموزد.

به طور کلی از چند جهت ماه رمضان برای علمای ما بزرگ بوده است. یکی اینکه ماه نزول قرآن است. یکی اینکه ماه ثبت مقررات است و دیگر اینکه ماهی است که به ظهور عید فطر منتهی می شود. عید فطر عید فطرت است. در قنوت عید فطر می گوئیم «اللهم اهل الکبریا والعظمه». امیرالمومنین می فرماید: «الهی ما عبدتک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک بل وجدتک اهلا للعبادة» لذا عید فطر عیدی است که ما باید به آن مقام اهلیت رسیده باشیم. ماهی است که باید در این ماه اهلیت کسب بشود.

مرحوم آقای حق شناس در روز آخر ماه رمضان می خواستند ما طلبه ها موعظه کنند. ایشان ساعت خود را در دست گرفته بودند مثلا یک ساعت به مغرب مانده بود، گریه می کرد و می گفت مومنین یک ساعت دیگر مهمان خاص خداوندیم. دوباره کمی ما را موعظه می کرد و باز می گفت مومنین نیم ساعت دیگر مانده است! ما اگر معنای مهمانی را بفهمیم دیگر باقی اش حل می شود. ما نه خود را شناختیم، نه خدای خود را شناختیم و نه جایگاه خود را می دانیم...

در خطبه شعبانیه رسول خدا آمده است که «دعیتم فیه الی ضیافه الله». امیرالمومنین به کفن سلمان نوشتند که «وفدت علی الکریم بغیر زاد/ من الحسنات و القلب السلیم/ وحمل الزاد اقبیح کل شیء/ اذا کان الوفود علی الکریم» یعنی وقتی تو بر کریم مهمان باشی اگر بخواهی زاد و راحله ببری بد است، تو باید به آن ضیف خودت معرفت داشته باشی که او کریم است.

خود کریم بودن خیلی اهمیت دارد. اگر انسان خدای خود را بر کرم بشناسد، با دید دیگری بر ماه رمضان وارد می شود. «دعیتم فیه الی ضیافه الله» در این ماه به ضیافت خدا دعوت شدید و خدایی که کریم است. اگر انسان به خدای کریم بخواهد وارد شود

و چیزی با خود بیاورد بد است. آنجا فقط باید شان گدایی و دست دراز کردن را داشته باشد. مرحوم آیت الله کوهستانی سه مرتبه به کسی فرمودند من فهمیدم که باید در خانه خدایی گدایی کرد. وقتی فهمیدی او کریم است بلند می شوی و برای گدایی به محضر او می روی.

در روایت داریم خداوند متعال در قیامت با هر کسی بر اساس باورش عمل می کند. مرحوم شاه آبادی می فرمودند که خدای متعال در قیامت به بنده القا می کند که «یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم» آن کسی که خدا را به کرم باور داشته و سختی قیامت باعث شده از باور خود پس افتاده باشد با این القا به یادش می آید. بعد می گوید «کرمک یا کریم» بعد خطاب می شود که ما را به کرم ذکر کرد لذا با او با کرم معامله کنید. ماه رمضان ماه کریم است. ماه رمضان ماه و سرود به کریم است و ساحت کریم این است که اگر ما لثامتی داریم آن را بیرون ماه رمضان بگذاریم و اینگونه به ساحت کریم برویم.

در روایت داریم که ماه رمضان اسم خداوند متعال است. ائمه اطهار هم اسماء خداوند متعال هستند که فرمود نحن اسماء الله، نحن صفات الله، یعنی خداوند متعال ظهور اسمی دارد. یکی از جلوات اسمی خداوند متعال همین ماه رمضان است. ذوات معصومین هم آن اصل تحقق جلوه اسمی خداوند ذوالجلال هستند. همه اینها تحت آن عنایت اهل بیت است.

***در ماه رمضان مردم خیلی شور و اشتیاق پیدا می کنند، چگونه باید تاثیر عملی این حضور و اشتیاق را محسوس تر نمود؟**

مردم همه فطرت دارند. این فطرت الهی گاهی جلوه گری می کند، حتی برای منافقین. «أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ». فطرت نمی میرد. او منتظر یک بهانه است. خداوند متعال این بهانه را در ماه رمضان فراهم کرده است. انسان بالفطره محب است. محب خلوت با محبوب را دوست دارد. شب یک جلوه ای از خلوت است. شب جلوه ای از مقام خلوت محب و محبوب است. اهل معاصی هم شب به دنبال معصیت می روند. کسی که اهل معصیت باشد نور فطرت را می گیرد و کج منعکس می کند. خداوند در قرآن می فرماید «جعل الیل سکنًا» خداوند شب را مایه سکون قرار داده است. یعنی فطرت انسان آماده است.

اما در مورد قسمت دوم سوال شما باید گفت ما باید بر روی معرفت کار کنیم. اگر معرفت کم باشد حال ما نیز زوال پیدا می کند. آنچه که حال را ثابت نگه می دارد «يُنَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» با تثبیت الهی است که این تثبیت معرفت الهی می خواهد. لذا حال انسان باید با معرفت تثبیت شود. باید در ماه رمضان سعی شود بحث های معرفتی و توحیدی و ولایی مطرح شود.